

مدیریت ورزشی _ پاییز ۱۳۹۰
شماره ۱۰- ص ص : ۱۶۸-۱۵۱
تاریخ دریافت : ۸۹ / ۱۱ / ۰۹
تاریخ تصویب : ۹۰ / ۰۵ / ۲۴

تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران

۱. مریم منظمی _ ۲. شهرام علم^۱ _ ۳. سیده ناهید شتاب بوشهری
۱. کارشناس ارشد وزارت ورزش و جوانان ، ۲. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی (واحد شهر ری) ، ۳. استادیار دانشگاه شهید
چمران اهواز

چکیده

هدف از این تحقیق، تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران بود. تحقیق حاضر از نوع توصیفی است و داده‌های آن از طریق پرسشنامه محقق ساخته و به صورت میدانی جمع آوری شد. جامعه تحقیق، مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور در سال ۱۳۸۸ شامل معاونت امور بانوان در سازمان تربیت بدنی، رؤسای زن فدراسیون های ورزشی، نواب رئیس زن فدراسیون ها، معاونان توسعه ورزش بانوان در استان ها و رؤسای زن هیأت های ورزشی استان های سراسر کشور بود. محقق کلیه جامعه تحقیق را به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب کرده است. نتایج نشان داد که عوامل «مالی و امکاناتی» ، «انسانی و تخصصی» ، «ساختاری و مدیریتی» و «فرهنگی و اجتماعی» به ترتیب اولویت بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران مؤثرند.

واژه‌های کلیدی

توسعه، تربیت بدنی، ورزش، بانوان.

مقدمه

توسعه و اعتلای تربیت بدنی و ورزش در جامعه ما منوط به تحول سازنده و مثبت در برنامه های جاری ورزشی است. بازنگری در برنامه های گذشته و جاری و تدوین برنامه های کارآمد و مؤثر، بی شک نیازمند تحقیقات گسترده و همه جانبه است که نتایج آن بتواند خط مشی برنامه جدید را تعیین و صحت انطباق آن را با نیازهای اساسی جامعه در حال تحول ما تضمین کند (۱۷). از طرفی این واقعیت بر هیچ کس پوشیده نیست که بدون در نظر گرفتن زنان که نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند، دستیابی به توسعه واقعی میسر نخواهد بود.

در بسیاری از جوامع، زنان با مشکلات و نابرابری هایی مانند نداشتن دسترسی به امکانات آموزشی برابر با مردان (۴۸)، فرصت های شغلی نابرابر با مردان (۴۳)، فقر و درآمد نابرابر (۲۵، ۳۶، ۴۳)، تنش های بیشتر (۴۱) و ایفای نقش های متعدد خانوادگی و تضاد در این نقش ها (۳۲، ۳۸، ۴۳) مواجهند که تربیت بدنی و ورزش را نیز می توان به آن اضافه کرد. در حدود ۱۵۰ سال پیش، از شرکت زنان در فعالیت های ورزشی ممانعت به عمل می آمد، همان طور که آنان از شرکت در جامعه، بازار کار و سیاست باز داشته می شدند (۴۶). امروزه نیز در بیشتر جوامع، زنان از فرصت هایی برابر بری شرکت در فعالیت های ورزشی محروم بوده و با محدودیت هایی مواجهند (۳۹). محدودیت های ساختاری و مدیریتی (۲۶، ۲۸، ۳۳)، محدودیت های مالی و امکاناتی (۲۴، ۲۹، ۳۴، ۴۴، ۴۵)، محدودیت های انسانی و تخصصی (۲۸، ۳۳) و محدودیت های فرهنگی و اجتماعی (۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۷، ۴۰، ۴۵، ۴۷)، از جمله آن محرومیت ها هستند، ولی این محرومیت ها در کشور جمهوری اسلامی ایران به دلایل مختلف به ویژه شرایط فرهنگی اجتماعی حاکم بر کشور برجستگی بیشتری دارد (۱۲). در این زمینه تربیت بدنی و ورزش بانوان در جمهوری اسلامی ایران اهمیت خاصی دارد، چرا که علاوه بر وجوه اشتراک آن با ورزش مردان و تأثیر مشترکی که بر سلامت و نشاط هر دو جنس زن و مرد دارد، با توجه به اوامر و نواهی دین، حدود و ضوابط برای آن تعیین شده است.

بر اساس نتایج تحقیقات انجام گرفته، پرداختن به ورزش و فعالیت های جسمانی موجب افزایش اعتماد به نفس، دوری از مواد مخدر، نداشتن ناهنجاری های جنسی، پیشرفت تحصیلی و کاهش جرایم در بانوان می شود و در دوران بارداری آثار مثبتی بر وضع حمل زنان دارد و ضامن سلامت آنان در دوران پس از بزرگسالی (دوران کهنسالی و یائسگی) است (۲۷). با این حال بر اساس نتایج تحقیقات قبلی در ایران دختران در سنین قبل از

ازدواج کمتر برای ورزش به باشگاه‌ها مراجعه می‌کنند و در مجموع، مردان بیشتر از زنان به ورزش روی می‌آورند، به طوری که با توجه به برابری تقریبی تعداد مردان و زنان در جامعه کنونی، مردان ۶/۸ برابر بیشتر از زنان ورزش می‌کنند (۱۸). بررسی میزان رشد کنونی ورزش بانوان در عرصه‌های داخلی و خارجی، گواه پیشرفت نسبی ورزش بانوان ایرانی است، اما نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که در مقایسه با ورزش مردان یا بانوان دیگر کشورها از رشد خوبی برخوردار نبوده است. به طور مثال در مسابقات ورزشی سال‌های اخیر، ورزش بانوان تنها سه شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک، یک شرکت‌کننده در بازی‌های المپیک زمستانی و تنها در سه رشته ورزشی در مسابقات پارالمپیک سهمیه کسب کرده است. از میان ۴۴ فدراسیون فعال در بخش بانوان، تنها موفق به تصدی یک پست ریاست فدراسیون و از میان بیش از هزار هیأت ورزشی استانی تنها ۳۶ پست ریاست هیأت را کسب کرده‌اند، عدم کسب مدال در مسابقات المپیک و پارالمپیک، عدم کسب مدال طلا در مسابقات جام جهانی و قهرمانی آسیا، کسب تنها یک مدال در مسابقات غرب آسیا (۱۰) و کسب تنها یک مدال طلا از مجموع ۲۰۶ مدال طلای توزیع شده در بخش بانوان بازی‌های آسیایی گوانجو، از جمله موارد، در این زمینه است. به علاوه مطالعه و بررسی تحقیقات انجام گرفته نشان می‌دهد که تقریباً کلیه یافته‌های پژوهشی در زمینه تربیت بدنی و ورزش بانوان در کشور جمهوری اسلامی ایران بیانگر آن است که دختران و زنان ایرانی در انجام فعالیت‌های ورزشی محدودیت‌ها و مشکلات عدیده‌ای مانند محدودیت‌های ساختاری و مدیریتی (۳، ۵، ۱۹)، محدودیت‌های مالی و امکاناتی (۱، ۲، ۴، ۱۴، ۲۱)، محدودیت‌های انسانی و تخصصی (۲، ۳، ۱۴) و محدودیت‌های فرهنگی و اجتماعی (۱، ۷، ۱۴، ۱۸، ۱۹، ۲۲، ۲۳) دارند. از این رو با توجه به اینکه امروزه در جوامع مختلف، ایجاد زمینه‌های مناسب برای ورزش بانوان، موضوع مهم و ملی تلقی می‌شود و میزان حضور یا عدم حضور زنان در فعالیت‌های ورزشی به عنوان شاخص جهانی از وضعیت اجتماعی زنان در جامعه به شمار می‌آید، این موضوع در ایران اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا زنان مسلمان ایرانی نیازمند محیط و امکاناتی مستقل و اختصاصی برای انجام فعالیت‌های تربیت بدنی و ورزش هستند. از این رو لازم است علاوه بر حمایت‌های برابر با مردان، از حمایت‌های قانونی بیشتری برخوردار شوند (۲۰). با عنایت به این مطالب و به دلیل آنکه بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در کشور متوجه موانع و محدودیت‌های مشارکت قشرهای متفاوت بانوان در فعالیت‌های ورزشی است و تا کنون پژوهشی در قالب شناسایی، تعیین و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه کمی و کیفی تربیت بدنی و ورزش بانوان از جنبه‌های مختلف به صورت جامع انجام نگرفته است، محقق

بر آن شد طی پژوهشی آن عوامل را بر اساس نظر تخصصی جامعه مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور شناسایی و اولویت بندی کند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی است و داده های آن از طریق پرسشنامه و به صورت میدانی جمع آوری شده است. جامعه تحقیق حاضر مدیران زن تربیت بدنی و ورزش در سال ۱۳۸۸ هستند (جدول ۱). محقق کلیه جامعه تحقیق را به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب کرده است.

جدول ۱ - جامعه تحقیق (مدیران تربیت بدنی در سال ۱۳۸۸)

درصد	فراوانی	اعضای جامعه
۰/۹	۱	معاونت امور بانوان در سازمان تربیت بدنی
۰/۹	۱	رئیس فدراسیون ورزشی
۲۶/۸	۳۰	معاون توسعه ورزش بانوان استان
۳۹/۳	۴۴	نایب رئیس زن فدراسیون ورزشی
۳۲/۱	۳۶	رئیس هیأت ورزشی استان
۱۰۰	۱۱۲	جمع

ابزار اندازه گیری

با توجه به آنکه تا کنون پژوهش مشابهی در تربیت بدنی و ورزش کشور در این زمینه انجام نگرفته است، محقق با مطالعه کتاب ها، مقالات، گزارش گردهمایی های مرتبط و برخی طرح های پژوهشی مشابه در دیگر رشته ها و حوزه ها و همچنین نظرخواهی از استادان، صاحب نظران و مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور از طریق پرسشنامه باز مقدماتی (روش دلفی) طی دو مرحله، عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران را جمع آوری و دسته بندی می کند. به منظور تعیین روایی ابزار تحقیق ابتدا پرسشنامه به همراه تعریف کاربری واژه ها و اهداف تحقیق، به ۱۵ نفر از استادان دکتری رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی گرایش مدیریت و برنامه ریزی به منظور اعمال نظر ارائه شد. پس از جمع آوری نظرها و پیشنهادهای مطرح

شده، با همفکری و هم اندیشی همکاران طرح، اصلاحات پیشنهادی اعمال و پرسشنامه تحقیق در قالب ۷۶ سؤال تنظیم و تدوین شد. همچنین برای تعیین پایایی پرسشنامه از دو روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن آزمون استفاده شد که به ترتیب برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۹۶ و ۰/۹۰ به دست آمد. تعداد کل سؤالات پرسشنامه عبارت بود از: ۱۴ سؤال درباره مشخصات فردی و ۷۶ سؤال در مورد نظر آزمودنی ها در زمینه عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان و یک سؤال باز در باره دیگر عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان ایران.

روش جمع آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها

با همکاری سازمان تربیت بدنی فهرست کامل و جامعی از تعداد مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور به همراه آدرس و تلفن محل کار آنها در اختیار محقق قرار داده شد. بر اساس فهرست مذکور محقق و همکاران پرسشنامه تحقیق را حضوراً به معاون امور بانوان در سازمان تربیت بدنی، یک رئیس زن فدراسیون و ۴۴ نایب رئیس زن فدراسیون‌های ورزشی تحویل دادند و پس از تکمیل، تحویل گرفتند. برای دیگر اعضای جامعه تحقیق شامل ۳۰ معاون توسعه ورزش بانوان استان ها و همچنین ۳۶ رئیس هیأت ورزشی استان ها، نیز پرسشنامه از طریق پست پیشتاز به آدرس های از قبل تهیه شده ارسال و جمع آوری شد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار توصیفی (محاسبه فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار) و روش های آمار استنباطی (آزمون t تک متغیره، تحلیل واریانس با اندازه های مکرر، تحلیل واریانس چند متغیری «مانوا»، آزمون تعقیبی بونفرونی و روش های آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن آزمون برای محاسبه ضرایب پایایی) استفاده شد. به منظور امتیازدهی به سؤالات مرتبط با تعیین عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان، برای هر یک از گزینه های خیلی زیاد، زیاد، تا حدودی، کم و خیلی کم به ترتیب مقادیر ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده های جمع آوری شده از نرم افزار کامپیوتری SPSS نسخه ۲، ۱ هفدهم استفاده شد. در ضمن برای کلیه فرضیه ها سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ در نظر گرفته شد.

نتایج و یافته های تحقیق

جدول ۲_ مشخصات مدیران زن تربیت بدنی (نمونه تحقیق)

درصد	فراوانی	مشخصات	
۳۷/۰	۳۰	مسؤل ورزش بانوان استان	پست سازمانی
۲۴/۷	۲۰	نایب رئیس فدراسیون	
۳۷/۰	۳۰	رئیس هیأت ورزشی استان	
۱/۲	۱	رئیس فدراسیون	
۴۸/۱	۳۹	تربیت بدنی	رشته تحصیلی
۵۱/۹	۴۲	غیر تربیت بدنی	
۱۳/۶	۱۱	دیپلم	تحصیلات
۱۲/۳	۱۰	کاردانی	
۴۹/۴	۴۰	کارشناسی	
۱۹/۸	۱۶	کارشناسی ارشد	
۴/۹	۴	دکترا	
۷/۴	۶	۲۱-۳۰	سن (سال)
۳۴/۶	۲۸	۳۱-۴۰	
۴۴/۴	۳۶	۴۱-۵۰	
۱۱/۶	۱۱	۵۱ سال به بالا	
۶۰/۵	۴۹	۱-۵	سابقه مدیریت (سال)
۱۷/۳	۱۴	۶-۱۰	
۱۲/۳	۱۰	۱۱-۱۵	
۴/۹	۴	۱۶-۲۰	
۴/۹	۴	۲۱ سال به بالا	
۱۰۰	۸۱	جمع	

فرضیه ۱: عوامل ساختاری و مدیریتی بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد.

فرضیه ۲: عوامل مالی و امکاناتی بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد.
فرضیه ۳: عوامل انسانی و تخصصی بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد.
فرضیه ۴: عوامل فرهنگی و اجتماعی بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارد.

جدول ۳_ تأثیر عوامل بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان با نمره میانگین ملاک (۳)

فرضیه	متغیر	میانگین	انحراف معیار	Test Value	df	T مشاهده شده	سطح معنی داری
۱	عوامل ساختاری و مدیریتی	۴/۵۴	۰/۳۴۵	۳	۸۰	۴۰/۳۲	۰/۰۰۰۱
۲	عوامل مالی و امکاناتی	۴/۶۴	۰/۳۸۰	۳	۸۰	۳۸/۷۳	۰/۰۰۰۱
۳	عوامل انسانی و تخصصی	۴/۵۵	۰/۴۰۹	۳	۸۰	۳۳/۹۹	۰/۰۰۰۱
۴	عوامل فرهنگی و اجتماعی	۴/۴۹	۰/۴۹۰	۳	۸۰	۲۷/۴۳	۰/۰۰۰۱

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، میانگین پاسخ دهندگان به سؤالات مربوط به فرضیه اول برابر ۴/۵۴، فرضیه دوم برابر ۴/۶۴ ($P=۰/۰۰۰۱$ و $t=۳۸/۷۳$)، فرضیه سوم برابر ۴/۵۴ ($P=۰/۰۰۰۱$ و $t=۴۰/۳۲$) و فرضیه چهارم ۴/۴۹ ($P=۰/۰۰۰۱$ و $t=۲۷/۴۳$) است که از مقدار میانگین نظری (۳ «حد وسط پاسخ») بالاتر و از نظر آماری این اختلاف ها معنی دارند. بنابراین هر چهار فرضیه تأیید شد. به عبارت دیگر، از نظر پاسخ دهندگان، عوامل «ساختاری و مدیریتی»، «مالی و امکاناتی»، «انسانی و تخصصی» و «فرهنگی و اجتماعی» بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری اسلامی ایران تأثیر دارند.

با توجه به جدول ۴، مشاهده می شود دیدگاه مدیران زن تربیت بدنی و ورزش، عوامل «مالی و امکاناتی» در اولویت اول «عوامل فرهنگی و اجتماعی» در اولویت چهارم تأثیرگذاری بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان ایران قرار گرفته است. از میان هجده عامل مالی و امکاناتی، بالاترین میانگین نمره پاسخ ها، مربوط به «افزایش سهم بانوان از کل بودجه تربیت بدنی و ورزش در سازمان تربیت بدنی» با میانگین ۴/۸۹ است. از بین شانزده عامل انسانی و تخصصی بالاترین میانگین نمره پاسخ ها، مربوط به «برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی به منظور به

روز کردن و ارتقای دانش داوران و مربیان زن» با میانگین ۴/۶۸ است. از میان بیست و هفت عامل ساختاری و مدیریتی، بالاترین میانگین نمره پاسخ‌ها، مربوط به «نظارت و کنترل بر سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون‌ها، هیأت و ادارات تربیت بدنی» با میانگین ۴/۸۴ است. از میان شانزده عامل فرهنگی و اجتماعی بالاترین میانگین نمره پاسخ‌ها، مربوط به «استفاده مناسب رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما برای تشویق و ایجاد انگیزه در بانوان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی» با میانگین ۴/۷۴ است.

جدول ۴ - اولویت بندی عوامل مؤثر در توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان

اولویت	عوامل	امتیاز
عوامل مالی و امکاناتی		
اول	افزایش سهم بانوان از کل بودجه تربیت بدنی و ورزش در سازمان تربیت بدنی	۴/۸۹
	افزایش سهم بانوان از کل اعتبارات، کمک‌ها و درآمدهای فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی	۴/۸۵
	تعیین بودجه اختصاصی، ویژه بانوان در سازمان تربیت بدنی، مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها	۴/۸۰
	میانگین کل هجده عامل	۴/۶۴
عوامل انسانی و تخصصی		
دوم	افزایش سهم بانوان از کل بودجه تربیت بدنی و ورزش در سازمان تربیت بدنی	۴/۸۹
	افزایش سهم بانوان از کل اعتبارات، کمک‌ها و درآمدهای فدراسیون‌ها و هیأت‌های ورزشی	۴/۸۵
	تعیین بودجه اختصاصی، ویژه بانوان در سازمان تربیت بدنی، مراکز استان‌ها و شهرستان‌ها	۴/۸۰
	میانگین کل شانزده عامل	۴/۵۵
عوامل ساختاری و مدیریتی		
دوم	نظارت و کنترل بر سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون‌ها، هیأت و ادارات تربیت بدنی	۴/۸۴
	افزایش جایگاه‌های مدیریت بانوان در نهادهای رسمی به ویژه تربیت بدنی و ورزش کشور	۴/۷۳
	تبیین شرح وظایف و افزایش اختیارات معاونت توسعه ورزش بانوان در استان‌ها	۴/۷۳
	میانگین کل بیست و هفت عامل	۴/۵۴
عوامل فرهنگی و اجتماعی		
دوم	استفاده مناسب رسانه‌های جمعی به ویژه صدا و سیما به منظور تشویق و ایجاد انگیزه در بانوان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی	۴/۷۴
	فرهنگ سازی برای حضور زنان در پست‌های مدیریتی تربیت بدنی و ورزش از طریق رسانه‌ها	۴/۵۹
	اختصاص یک روزدرسال به عنوان روز "زن و ورزش" به منظور همگانی کردن ورزش بانوان	۴/۵۹
	میانگین کل شانزده عامل	۴/۴۹

جدول ۵ - خلاصه نتایج تحلیل واریانس با اندازه های مکرر روی نمره های ارزیابی پاسخ دهندگان از عوامل

متغیر	مجموع مجزورات	درجه آزادی	میانگین مجزورات	F	سطح معنی داری (P)
عامل	۰/۸۵۵	۳	۰/۲۸۵	۵/۶۷	۰/۰۰۱
خطا	۱۲/۰۵	۲۴۰	۰/۰۵۰	—	—

جدول ۶ - نتایج آزمون بونفرونی بین نمره های میانگین ارزیابی پاسخ دهندگان از عوامل مؤثر

عامل ها	میانگین	ساختاری و مدیریتی	مالی و امکاناتی	انسانی و تخصصی	فرهنگی و اجتماعی
۱ ساختاری و مدیریتی	۴/۵۴		*	—	—
۲ مالی و امکاناتی	۴/۶۴			*	*
۳ انسانی و تخصصی	۴/۵۵				—
۴ فرهنگی و اجتماعی	۴/۴۹				

همان طور که در جدول ۵ نشان داده شده، نسبت F (عامل) برابر با ۵/۶۷ (سطح $P=0/001$) است که این نسبت معنی دار است، یعنی حداقل بین ۲ ارزیابی پاسخ دهندگان از عوامل مؤثر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان تفاوت معنی داری وجود دارد. معنی دار شدن این تفاوت با استفاده از تحلیل واریانس نشان نمی دهد که بین کدام عامل ها تفاوت وجود دارد، از این رو به دنبال این تحلیل، از تحلیل تعقیبی بونفرونی استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ ارائه شده است. در جدول ۶ مشاهده می شود بین ارزیابی پاسخ دهندگان از تأثیر عوامل مالی و امکاناتی و تأثیر دیگر عوامل (ساختاری مدیریتی، انسانی تخصصی و فرهنگی و اجتماعی) بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان تفاوت معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر پاسخ دهندگان ارزیابی بالاتری از تأثیر عوامل مالی و امکاناتی نسبت به عوامل دیگر بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان داشته اند. بین ارزیابی پاسخ دهندگان در مورد تأثیر دیگر عوامل مؤثر، تفاوت معنی داری مشاهده نمی شود.

بحث و نتیجه گیری

مجموع عوامل ساختاری و مدیریتی از دیدگاه مدیران زن، از میان عوامل چهارگانه در اولویت سوم تأثیرگذاری بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان کشور قرار گرفت. این عوامل که به نوعی با تشکیلات سازمانی، بروکراسی حاکم بر ادارات، سیستم مدیریتی حاکم، اختیارات، مسؤولیت‌ها، وظایف قانونی و ارتباطات کاری و رسمی موجود مرتبط‌اند، با بیست و هفت عامل و میانگین $4/54$ که به طور چشمگیری از متوسط (حد وسط = 3) بالاتر است، از نظر پاسخ دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری مؤثر بودند. از میان بیست و هفت عامل مؤثر شناخته شده ساختاری و مدیریتی، نظارت و کنترل بر سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون‌ها، هیأت‌ها و ادارات تربیت بدنی، به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت اول قرار گرفت. در این زمینه اگر چه به صراحت در تبصره ۳ از ماده ۲ آئین نامه اجرایی بند ب (ماده ۱۱۷) قانون برنامه چهارم توسعه بر سهم حداقل ۳۰ درصدی بانوان از اعتبارات اشاره شده (۱۲) و استعلام گزارش تخصیص حداقل ۳۰ درصد بودجه و منابع مالی از فدراسیون‌ها در بخش همگانی و قهرمانی به عنوان بخشی از رئوس فعالیت‌ها و عملکرد دفتر توسعه ورزش بانوان در سال ۱۳۸۷ گزارش شده است (۱۱)، به نظر می‌رسد این وظیفه کنترل و نظارتی سازمان تربیت بدنی به خوبی انجام نگرفته است، به نحوی که از دیدگاه مدیران زن، برای توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان، باید بیش از دیگر عوامل ساختاری و مدیریتی، بر هزینه کرد و سهم بانوان در توزیع اعتبارات فدراسیون‌ها، هیأت‌ها و ادارات تربیت بدنی، نظارت و کنترل صورت گیرد. در مورد اهمیت نظارت و کنترل شاید به جرأت بتوان ادعا کرد هیچ فعالیتی در سازمان قرین توفیق نخواهد بود مگر آنکه کنترل‌های لازم نسبت به آن صورت گرفته باشد و سازمان بدون وجود سیستم مؤثر کنترل، در تحقق مأموریت خود موفق نخواهد بود و نمی‌تواند از منابع خود به درستی استفاده کند (۶). در واقع هیچ برنامه‌ای بدون کنترل به درستی اجرا نمی‌شود و برنامه ریزان فقط با کنترل می‌توانند به صحت پیش‌بینی‌های خود پی ببرند (۱۳). بنابراین علاوه بر تصویب و ابلاغ سهم حداقلی بانوان از اعتبارات به فدراسیون‌ها، هیأت‌ها و ادارات کل تربیت بدنی و کلیه زیرمجموعه‌های آنها، نظارت و کنترلی دقیق و عینی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

مجموعه عوامل مالی و امکاناتی از دیدگاه مدیران زن، از بین عوامل چهارگانه در اولویت اول تأثیرگذاری بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان کشور قرار گرفت. این عوامل که منشأ آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم با مسائل اقتصادی و مالی، همچنین تهیه و تأمین اماکن، تأسیسات، تسهیلات، تجهیزات و امکانات ارتباط دارد، با

هفده عامل و میانگین ۴/۶۴ که به طور چشمگیری از متوسط (حد وسط = ۳) بالاتر است، از نظر پاسخ دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری مؤثر بودند. از میان هفده عامل مؤثر شناخته شده مالی و امکاناتی، افزایش سهم بانوان از کل بودجه تربیت بدنی و ورزش بانوان در سازمان تربیت بدنی به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت اول قرار گرفت. عاملی که در نتایج پژوهش های رومسا و هافمن^۱ (۱۹۸۰)، کارن^۲ (۱۹۹۳)، سیدر^۳ (۱۹۹۴)، بارنت^۴ (۲۰۰۷) و گالسوسکی^۵ (۲۰۰۸) بر آن تأکید شده بود. در این زمینه شایان یادآوری است با شروع سال ۱۳۸۴ و مطرح شدن بحث اجرایی ادغام تشکیلات و مدیریت ورزش بانوان کشور، انجمن های ورزشی زنان با فدراسیون های مربوط یکپارچه شدند و این طرح در شرایطی تصویب شد که رئیس وقت سازمان تربیت بدنی کشور از آن به عنوان یک حرکت مهم برای توسعه ورزش بانوان یاد می کرد. ادغام ورزش بانوان با بدنه کل ورزش کشور در نگاه اول توفیقی بود که به ورزش بانوان نوید می داد امکانات و بودجه ها به سمت بهینه هدایت شود و سهم بانوان از کل بودجه تربیت بدنی و ورزش افزایش یابد، اما به نظر می رسد با توجه به دیدگاه مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور، طرح ادغام با موارد بحث برانگیزی مواجه شده و تا حدودی از هدف اصلی و اساسی آن یعنی یکپارچگی ورزش کشور و در نتیجه تخصیص منابع مناسب تر به بخش بانوان به دور مانده است یا آنکه این طرح به تنهایی جوابگوی مطالبات، استقبال و استعداد زنان ایرانی در تربیت بدنی و ورزش نبوده است. از این رو پیش بینی سهمی ویژه از بودجه در این زمینه راهکار نهایی و اخیر سازمان تربیت بدنی بود که در قالب بخشنامه ای به کلیه فدراسیون ها و استان ها ابلاغ شد، اما با ابلاغ دستورالعمل اختصاص حداقل ۳۰ درصد از بودجه و درآمدها در بخش ورزش کشور به ورزش بانوان این سؤال مطرح می شود که چرا ۵۰ درصد جامعه کشور که سالیان متمادی در تخصیص منابع، تسهیلات و امکانات تربیت بدنی و ورزش از سهمی کمتر برخوردار بوده است، باید دارای ۳۰ درصد سهم باشد؟ آیا این سهم شایسته و در شأن نیمه مهم جامعه است؟ حال آنکه تندرستی، سلامت، تولید و تربیت نسل های آینده کشور به تندرستی، سلامت و بهداشت جسمانی و روانی آنان وابسته است. بر این اساس و با توجه به دیدگاه مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور در این زمینه، به نظر بانوان ایرانی باید از سهمی برابر با مردان و نیز حمایت های مالی بیشتری برخوردار شوند.

1 - Romsa, G and W.Hofman

2 - Karen L. Hill

3 - Sydor, Alison

4 - Barnet

5 - Gollschewski

مجموعه عوامل انسانی و تخصصی از دیدگاه مدیران زن، از میان عوامل چهارگانه در اولویت دوم تأثیرگذاری بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان کشور قرار گرفت. این عوامل که به قابلیت ها، توانایی ها، مهارت ها و تخصص ها و راهکارهای ارتقای آنها مرتبط اند، با شانزده عامل و میانگین ۴/۵۵ که به طور چشمگیری از متوسط (حد وسط = ۳) بیشتر است، از نظر پاسخ دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری مؤثر بودند. از بین شانزده عامل مؤثر شناخته شده انسانی و تخصصی، برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی برای به روز کردن و ارتقای دانش داوران و مربیان زن به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت اول قرار گرفت. عاملی که در نتایج پژوهش هافمن^۱ (۲۰۰۶) بر آن تأکید شده بود. با توجه به آنکه قبل از انقلاب اسلامی غالب امور ورزش بانوان چه در پست های مدیریتی و چه در امر مربیگری و داوری به دست مردان اداره می شد و آمار به جا مانده از آن سال ها به خوبی بیانگر این ادعا است، به طور مثال مربیان و داوران زن در سال ۱۳۵۷ به ترتیب ۳۲ و ۱۰ نفر بودند (۹)، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دلیل اهمیت مسائل شرعی، ورزش بانوان و محیط های ورزشی آنان از آقایان مجزا شد و امر مربیگری و داوری در ورزش به خود آنان داده شد. این وضعیت در بدو امر، بحران پیچیده ای را به وجود آورد. این بحران، ناشی از کم تجربه بودن زنان در امر مربیگری و داوری و همچنین کمبود امکانات و تسهیلات بود. زنان در آن اوضاع به خوبی بحران را مدیریت کردند و الگویی موفق در این عرصه از خود نشان دادند. حال وجود ۸۰ هزار مربی و ۶۰ هزار داور (۱۶) در رشته های مختلف ورزشی، بیانگر گامی مهم در راستای رفع یکی از معضلات ورزش بانوان در زمینه کمبود نیروی انسانی متخصص است، اما به نظر می رسد گام بعدی که باید در راستای بهبود و ارتقای تخصصی مربیان و داوران زن کشور باشد، به طور مناسب برداشته نشده است. بدیهی است که آموزش، خاص افراد تازه وارد نیست، بلکه برای کارکنان با سابقه و با تجربه نیز باید بنا به ضرورت، دوره هایی ترتیب داد. در واقع آموزش، خاص یک گروه یا منحصر به مقطع زمانی خاصی نیست، تمام نیروهای انسانی در طول عمر کاری خود باید به طور دائم و مستمر، آموزش ببینند تا در سمتی که انجام وظیفه می کنند، حداکثر کارایی و اثربخشی را داشته باشند (۲۰). لذا با عنایت به دیدگاه مدیران زن تربیت بدنی و ورزش کشور در این زمینه، اقدام مسؤلان تربیت بدنی و ورزش کشور به برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی به منظور به روز کردن و ارتقای دانش داوران و مربیان زن به همراه برنامه ریزی دقیق و اطلاع رسانی شفاف و به موقع در این زمینه، ضروری به نظر می رسد.

مجموعه عوامل فرهنگی اجتماعی از دیدگاه مدیران زن، از میان عوامل چهارگانه در اولویت چهارم تأثیرگذاری بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان کشور قرار گرفت. این عوامل که به سنت ها، باورها، عقاید و فرهنگ حاکم و همچنین نوع ارتباطات افراد جامعه و مسائل اجتماعی مرتبط اند، با شانزده عامل و میانگین ۴/۴۹ که به طور چشمگیری از متوسط (حد وسط = ۳) بیشتر است، از نظر پاسخ دهندگان بر توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان جمهوری مؤثر بودند. از میان شانزده عامل مؤثر شناخته شده فرهنگی اجتماعی، استفاده مناسب رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما جهت تشویق و ایجاد انگیزه در بانوان برای شرکت در فعالیت های ورزشی به عنوان مؤثرترین عامل در اولویت اول قرار گرفت. عاملی که در نتایج پژوهش های کینگ^۱ (۱۹۹۹)، هان^۲ (۲۰۰۶)، بارنت (۲۰۰۷) و گالسکوسکی (۲۰۰۸) بر آن تأکید شده بود. با توجه به آنکه امروزه رسانه ها قوی ترین ابزار برای طرح و رواج اندیشه ها و کارآمدترین وسایل برای نفوذ فرهنگ ها و نگرش ها به قلب جوامع هستند و نقش مهمی در شکل گیری مخاطبان دارند، براساس شواهد موجود در کشور، جای خالی بزرگ و عدم حمایت مناسب به وسیله رسانه ها از ورزش بانوان احساس می شود. با وجود تلاش های اخیر بانوان ایرانی، سهم آنان تا کنون از خبرهای ورزشی موجود در رسانه های گروهی بسیار کم و ناچیز بوده است. به طور مثال بررسی وضعیت نشریات ورزشی کشور در سال ۱۳۸۳ نشان داد تنها ۲ درصد آنها به ورزش های بانوان، تربیتی، نهادها و معلولان پرداخته بودند (۱۹). همچنین با تحلیل محتوای نشریات ورزشی از سال ۱۳۷۹ تا سه ماهه اول سال ۱۳۸۱ توسط مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مشخص شد تمام روزنامه های مورد بررسی به ورزش مردان بیش از ورزش زنان پرداخته بودند و تنها ۷ درصد اخبار به ورزش بانوان اختصاص داشت (۷). به هر حال رسانه های جمعی از ابزار مهم توسعه ورزش هستند که در تحقق بسیاری از اهداف توسعه تربیت بدنی و ورزش اثرگذارند، اما در میان رسانه های گروهی، تلویزیون و رادیو به دلیل دامنه فراگیری بیشتر، مهم ترند (۱۰). بر این اساس رسانه های جمعی به ویژه صدا و سیما می توانند با توسعه و ترویج فرهنگ ورزش بین زنان، اطلاع رسانی در مورد سودمندی و عدم تأثیرات منفی جسمانی و روانی تربیت بدنی و ورزش برای بانوان و مقابله با نارسایی های فرهنگی و آداب رسوم غلط برخی مناطق کشور در این زمینه،

1 - King, A., Blair, S., Bild, D., Dishman, R., et al

2 - Hannan, C.

علاوه بر تشویق و ایجاد انگیزه در زنان برای شرکت در فعالیت‌های ورزشی، به پله ترقی و توسعه تربیت بدنی و ورزش بانوان در کشور تبدیل شوند.

منابع و مأخذ

۱. ابودردا، زینب. (۱۳۸۵). "بررسی علل عدم حمایت اسپانسرها از ورزش حرفه‌ای بانوان شهر اصفهان". پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
۲. اتقیا، ناهید. (۱۳۸۴). "نیازسنجی از افسار مختلف زنان ایرانی در زمینه ورزش همگانی". فصلنامه پژوهش در علوم ورزشی، زمستان ۸۶، شماره ۱۷، صص: ۳۱-۱۵.
۳. اتقیا، ناهید. (۱۳۸۶). "نیازسنجی ورزش بانوان شاغل در دانشگاه الزهرا و ارائه راهکارهای کاربردی". نشریه علوم حرکتی و ورزش، بهار و تابستان ۸۷، سال ششم، شماره ۱۱، صص: ۹۶-۷۹.
۴. احسانی، محمد. عزب دفتران، مریم. (۱۳۸۲). "بررسی عامل‌های بازدارنده مشارکت فعالیت‌های ورزشی دختران دانشجو در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان". نشریه المپیک، سال یازدهم، شماره (۳ و ۴) (پیاپی ۲۴). صص: ۳۹-۲۹.
۵. احسانی، محمد و همکاران. (۱۳۸۷). "بررسی و رتبه بندی عوامل بازدارنده ارتقا زنان و پست‌های مدیریتی در هیأت‌های ورزشی استان خوزستان". نشریه پژوهش در علوم ورزشی، شماره ۱۹، صص: ۱۸۹-۱۷۱.
۶. الوانی، سیدمهدی. (۱۳۷۸). "مدیریت عمومی". چاپ دوازدهم، نشر نی.
۷. بارفروش، محمد. (۱۳۸۱). "تحلیل محتوای نشریات ورزشی از سال ۷۹ تا سه ماهه اول سال ۸۱". مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۸. جعفری مقدم، سعید. (۱۳۸۱). "ورزش رسانه‌ای". فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۳۰، بهار، صص: ۱۲۹-۱۱۷.
۹. درگاهی، زین العابدین. (۱۳۸۴). "گزارش عملکرد سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران". تهران، روابط عمومی سازمان تربیت بدنی، (۱۹۵).
۱۰. دفتر توسعه ورزش بانوان. (۱۳۸۷). "گزارش تحلیل و عملکرد وضعیت ورزش بانوان در فدراسیون‌های ورزشی". سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.

۱۱. دفتر توسعه ورزش بانوان. (۱۳۸۷). "گزارش عملکرد دفتر توسعه ورزش بانوان". سازمان تربیت بدنی جمهوری اسلامی ایران.
۱۲. دفتر ملی مدیریت و توسعه ورزش کشور (۱۳۸۷). "گزارش بخش تربیت بدنی و ورزش در برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور". سازمان تربیت بدنی، معاونت فرهنگی و امور استان ها، ویرایش هشتم.
۱۳. رضائیان. علی. (۱۳۸۷). "اصول مدیریت". چاپ نوزدهم، انتشارات سمت.
۱۴. سلامی، فاطمه. حاج میرفتاح، فاطمه. نوروزیان، منیژه. (۱۳۸۱). "توصیف موانع شرکت بانوان در فعالیت های ورزشی". پژوهشکده تربیت بدنی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. ص: ۱۰۹.
۱۵. سعادت، اسفندیار. (۱۳۸۴). "مدیریت منابع انسانی". چاپ نهم، انتشارات سمت.
۱۶. شهریان، رباب. (۱۳۸۷). "توسعه ورزش بانوان از اهداف کلان کشور". روزنامه ایران، شانزدهم اردیبهشت، شماره ۳۹۲۱.
۱۷. علم، شهرام. (۱۳۸۱). "بررسی عوامل مؤثر در افزایش کارایی درس تربیت بدنی". پایان نامه کارشناسی ارشد تربیت بدنی، پژوهشکده آموزش و پرورش استان خوزستان.
۱۸. کاشف، مجید. (۱۳۷۴). "بررسی وضعیت ورزش در استان تهران". اداره کل تربیت بدنی استان تهران.
۱۹. کردی، محمدرضا. (۱۳۸۳). "بررسی وضعیت نشریات ورزشی کشور". دانشکده تربیت بدنی دانشگاه تهران.
۲۰. منظمی، مریم. (۱۳۸۷). "طرح و دستورالعمل اجرای همایش بزرگ پیاده روی کوثر". اداره کل تربیت بدنی استان خوزستان.
۲۱. نادریان، مسعود. ذوالاکتاف، وحید. مشکل گشا، الهام. (۱۳۸۶). "موانع مشارکت ورزشی زنان و ارتباط آنها با انگیزه". نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال هفتم، جلد اول، شماره (۱۳)، ص: ۱۵۴-۱۴۵.
۲۲. نقدی، اسداله. بلالی، اسماعیل. ایمانی، پروین. (۱۳۹۰). "موانع فرهنگی - اجتماعی مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی". نشریه زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره (۱): ص: ۱۶۳-۱۴۷.
۲۳. وحید، فریدون. عریضی، فروغ. پارسامهر، مهربان. (۱۳۸۵). "بررسی تأثیر حمایت اجتماعی بر مشارکت زنان در فعالیت های ورزشی (مطالعه موردی: زنان استان مازندران)". نشریه علوم حرکتی و ورزش. سال چهارم، جلد اول، شماره ۷، ص: ۶۲-۵۳.

24. Barnet F, Spinks W.L. (2007). "Exercise self-efficacy of postmenopausal women resident in the tropics". *J maturitas*; 52; PP:1-6.
25. Bonhomme, J.J. (2007). "Men's health: Impact on women, children and society". *The Journal of Men's health & Gender*, 4(2); PP:124-130.
26. Gui,Y. (2007). "Striving and thriving : women in national sport organizations". *International Journal of the History of Sport*, 24(3).
27. Canadian Fitness and Lifestyle Institute. (2000). "Economic costs of physical inactivity". The research file.
28. Eguaaje, B.T. (2007). "Bridging the gender gap in sport leadership : An evaluation of female soccer coaches". A Dissertation for the degree of doctor of education. Nova Southeastern University.
29. Gollschewski S, Kitto S, Anderson D, Lyons-wall PH. (2008). "Womens perceptions and beliefs about the use of complementary and alternative medicines during menopause". *J Complementary therapies in Medicine*; 16; PP:163-168.
30. Hannan, C. (2006). "Challenging the gender order". Opening key note speech at the fourth world conference on women and sport, Kumamoto, Japan. <http://www.org/womenwatch/daw/news/speech 2006>.
31. Hardin. M. Lynn. S & Walsdorf. K. (2005). "Images of women in four women's sport/fitness Magazines". *Journal sex Roles. Springer Netherlands, Volume 53, Numbers 1-2/July*.
32. Hildingh, C., Russell, V., Luepker, Baigi, A., & Lidell, E. (2006). "Stress, health complaints and self-confidence: A Comparison between young adult women in Sweden and USA". *Scandiavia Journal of Caring Sceince*, 20; PP:202-208.
33. Hoffman, J.L. (2006). "Title IX and women's leadership in interco llegiat athletics". A dissertation for the degree of doctor of philosophy, University of Washington.
34. Karen L.Hill. (1993). "Women in sport : Backlash or megatrend?" *The Journal of Physical Education, Research & Dance*, Vol. 64.
35. Kenyon, G.S. and McPherson, B.D. (2001). "Becoming involved in physical activity and sport : A process of socialization". In *physical Actiity: Human Growth and development*, ed.G.L. Rarick: PP:303-332.

36. Kharboush, I.F., Youssef, A.A., Makhlouf, M.M., Zaghoul, A.A., El-Hamid, A.A., & El-Masry, A.G. (2005). "Women health in poor urban settings in Alexandria". *The Journal of The Egyptian Public Health Association*, 80(102); PP:321-48.
37. King, a., Blair, S., Bild, D.Dishman, R., et al. (1999). "Determinants of physical activity and interventions in adults". *Medicine and science in sport Exasice*. 24; s 221-223.
38. Kim, G.S., Won, J.C., Chung, Y.L., Lucy, N.M., & Mi, J., & Kim. (2005). "The relationship of work stress and family stress to the self-rated health women employed in the industrial sector in Korea". *Public Health Nursing*, 22(5); PP:389-397.
39. Palm, J. (2000). "Sport for all and its projection to the year". <http://www.Tafisa.Net/content/index.php? Option=content task= view & id=5>.
40. Penny, D. (2002). "Gender and physical education". *Contemporary issues and future directions*. Routledge, New York.
41. Pietil, I., & Rytken, R. (2008). "Coping with stress and by stress: Russian men and women talking about transition, stress and health". *Social Science & Medicine*, 66(2); PP:217-338.
42. Pereirab, B., Gracy, a., Sulochana, P., Reshma, P., Pertti, P., & Vikram, P. (2007). "The explanatory models of depression in low income countries: Listening to women in India". *Journal of Affective Disorders*, 102(1-3); PP:209-218.
43. Plaisieral, I.J. G.M. & De Bruijn, J.H., Smitc, R., De Graaf, M., Ten Haved, A.T.F., Beekmance, R., Van Dyckc, & Penninx, B.W.J.H. (2008). "Work and family roles and the association with depressive and anxiety disorders: Differences between men and women". *Journal of Affective Disorders*, 105; PP:63-72.
44. Ramsa, G and W.Hofman. (1980). "An application of nonparametric data in recreation research testing their opportunity theory". *Journal of leisure. Research* 12; PP:321-328.
45. Sydor, A. (1994). "Cyclist, on equity in Cycling". www.makeithappen.com.

46.Toro, M. (2005). "Public perception of credibility of male and female sportscaster". A dissertation for the degree of master of arts in communication, faculty of the virgina Polytechnic Institue and state University.

47.Walseth, K. (2003). "Islam's view on physical activity and sport". *The Norwegian University of Sport and physical Education, International Review for the sociology of Sport*, Vol. 38. No. 1, PP:45-60.

48.Zajacov, A. (2006). "Education, gender, and mortality : Does schooling have the same effect on mortality for men and women in the US?" *social Science & Medicine*, 63; PP:2176-2190.